

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

بهر روز سورن
۱۰ جون ۲۰۱۶

اینبار کارگران معدن "بافق" شلاق می خورند!



چنانچه به تاریخچه مبارزات مردم کشورمان نظری داشته باشیم در می یابیم که جنبش های خودبده خودی چنانچه به وقوع ببیوندند علی رغم دستاوردهای موضعی آنها اما تنها در خاطره ها باقی خواهند ماند و در تجارب کارگری دسته بندی خواهند شد. هم از اینرو حامیان و فعالان این جنبش بیش از هر زمان دیگر بر حجم مسؤولیت شان در جهت تشکل یابی و همبستگی کارگران افزوده شده است. هر گونه اهمال، سستی و خودمحموری این طیف جز خلاف جریان حرکت کردن نیست. جنبش کارگری در سال های اخیر نشان داده که دارای مختصات جدیدی است به طوری که می توان جنبش کارگری ایران را مشروط به سازماندهی، همبستگی و پیوند سراسری آن با جنبش دانشجویی، معلمان و سایر اقشار اجتماعی، دارای پتانسیلی بالقوه فرض کرد که می تواند در آینده تار و پود نظام سرمایه داری درنده و زشت خوی جمهوری اسلامی را به باد بسپرد.

هنوز جامعه کارگری کشورمان از شوک مجازات شلاق کارگران معدن طلای آق دره تکاب بیرون نیامده است که خبر احکام وحشیانه شلاق (تعلیقی!) برای کارگران شرافتمند اعتراضی معدن زغال سنگ بافق در جراید حکومتی منتشر شده است. رژیم تا به دندان مسلح حامی سرمایه داران مرزی برای اعمال قرون وسطائی علیه کارگران ایران نمی شناسد. در مرکز این هجوم کارگرانی قرار دارند که متشکل و یا در حین و پروسه تشکل یابی قرار دارند. اعتراضات کارگری در سال های اخیر و به موازات هجوم سرمایه و ابزار سرکوب حاکمیت به مطالبات به حق شان ابعاد تازه ای یافته است. آمار و ارقام این اعتراضات دیگر نجومی شده است. مجموعه داده های این مبارزات و اعتراضات خاطر نشان می کند که تلاطمی در سطح جامعه موجود و آتشی زیر خاکستر نهفته است.

چنانچه به تاریخچه مبارزات مردم کشورمان نظری داشته باشیم در می یابیم که جنبش های خودبه خودی چنانچه به وقوع بپیوندند علی رغم دستاوردهای موضعی آنها اما تنها در خاطره ها باقی خواهند ماند و در تجارب کارگری دسته بندی خواهند شد. هم از اینرو حامیان و فعالان این جنبش بیش از هر زمان دیگر بر حجم مسؤلیت شان در جهت تشکل یابی و همبستگی کارگران افزوده شده است. هر گونه اهمال، سستی و خودمحوری این طیف جز خلاف جریان حرکت کردن نیست. جنبش کارگری در سال های اخیر نشان داده که دارای مختصات جدیدی است به طوری که می توان جنبش کارگری ایران را مشروط به سازماندهی، همبستگی و پیوند سراسری آن با جنبش دانشجویی، معلمان و سایر اقشار اجتماعی، دارای پتانسیلی بالقوه فرض کرد که می تواند در آینده تار و پود نظام سرمایه داری درنده و زشت خوی جمهوری اسلامی را به باد بسپرد.

خبر مربوط به شلاق زدن کارگران معترض معدن آق دره تکاب به سرعت رسانه ئی شد. رسانه ئی شدن این اعتراضات را می توان موفقیت حامیان این جنبش دانست. فراخوان محکومیت این داغ ننگ جمهوری اسلامی از هر سو داده شد و موج حمایت و پشتیبانی حامیان حقوق کارگران به طور کلی به سوی این فراخوان ها به شکل خودبه خودی سازمان یافت. تا جایی که **سخنگوی کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد آن را محکوم نمود و به شلاق خوردن هفده کارگر معدن آق دره اشاره کرده است.**

سندیکا ها، نهادها و فعالان کارگری یکی پس از دیگری این اقدام وحشیانه را محکوم کردند. جمع وسیعی از چهره های شناخته شده از هنرمندان و نویسندگان همچنین کانون نویسندگان ایران به جمع محکوم کنندگان پیوستند و بدین ترتیب به موج محکومیت شلاق زدن به کارگران ابعادی گسترده تر دادند. به جرأت می توان گفت که کارگران این معدن و به ویژه شلاق خوردگان می توانند در کنار خود صفی طولانی از مدافعان حقوق خود را ببینند.

کارگران، هنرمندان، نویسندگان و فرهیختگان و وکلای کشورمان نشان دادند که از عیار و بلوغ صنفی و سیاسی بالائی برخوردارند و نظام نمی تواند آنها را و حضور و وجود آنها را نادیده بگیرد و هر گام ناپاک خود را بی پاسخ بشمارد. تجمعات و تظاهرات اعتراضی به سیرت پلید حاکمان و مسؤلین قضائی اش در داخل و خارج کشور صورت پذیرفت و این اعتراضات همچنان ادامه دارد. در پهنه اعتراضات رسانه ئی:

بیانیه جمعی پاسخ حق طلبی کارگران شلاق نیست!

و همچنین فراخوان اعتراضی سایت گزارشگران نمونه هائی از این موج اعتراضی بودند.

فراخوان اعتراضی گزارشگران: صدای پای بربریت و برده داری همچنان می آید - همراه با متن انگلیسی برای

ارسال به نهادها!

رسانه ئی شدن شلاق زدن به کارگران معدن طلای آق دره تکاب مدت زیادی پس از وقوع آن صورت گرفته است. بر طبق گزارشات دو ماه پس از شلاق زدن و اجرای حکم قضائی مصادف با سفر ریاست جمهور به منطقه به اطلاع عموم رسیده است و نشان از وحشت رژیم و سانسور گسترده سرکوب کارگران دارد.

این نکته نشان می دهد که بسیاری از جنایات رژیم در سرکوب کارگران در سراسر کشور در خفا و سانسور رسانه ئی صورت می گیرد. حال آن که در این زمینه مشخص موج اعتراضات باعث واکنش مسؤلین حاکم نیز شد و کار به رسانه های داخل رژیم کشید. تا جایی که هر کدام از آنها به دنبال توجیه قضیه، ماستمالی آن و یا ارجاع جرم به خود کارگران رسید.

نکته اینجاست که در شرایطی که کارگران معترض با سرکوب وحشیانه و قرون وسطائی رژیم در داخل کشور مواجه اند، اجلاس سالانه سازمان جهانی کار باحضور نمایندگان جمهوری اسلامی برگزار می شود و علناً به رژیم و دستگاه سرکوبش وجهه بین المللی می بخشد.

قطعاً بر سازمان جهانی کار پوشیده نیست که جمهوری اسلامی از طرق مختلف و با روش های بسیار متفاوت علنی و غیر علنی با حیات و حضور تشکلهای کارگری و معلمان در ستیز است و به روش های وحشیانه و قهرآمیز با کارگران کشورمان روبه رو می شود و بسیاری از فعالان کارگری هم اکنون تحت تعقیب، محرومیت از حقوق و یا پشت میله های زندان به سر می برند. قطعاً می داند که فعالان کارگری همانند **جعفر عظیم زاده** در اعتصاب غذا به سر می برد و یا در زندان های این رژیم به حبس های طویل المدت محکوم می شوند و یا همانند **شاهرخ زمانی** به طور مشکوکی به قتل می رسند.

حتماً می دانند که بسیاری از کارگران برای رساندن فریاد دردمند و حق طلبانه خود تنها راه را خودکشی در صحن کارخانه ها و یا مقابل مجلس یا وزارت کار می یابند. حتماً می دانند که پیکر سازندگان و تولیدکنندگان شریف کشورمان که با دستمزد های چندبرابر زیر خط فقر زندگی می کنند، پر زخم است و از چنگال سرمایه داران حاکم خون می چکد!

همزمانی وقایع بار دیگر تأکیدی است بر ضرورت مبرم تلاش برای ایجاد همبستگی عمومی کارگران کشورمان و اتحاد پر معنای کارگران، معلمان و دانشجویان به عنوان سه رکن استوار ایستادگی و مقاومت در برابر نظم افسارگسیخته سرمایه داری حاکم.

۲۰۱۶/۰۶/۰۷